

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۲۵ اگست ۲۰۱۵

## مجلس شصت و دوم (در توحید) قسمت چهارم

وای بر تو! در این مرتبه نشسته و مردم راندرزمیده‌ی، و باحکایت خنده آور سرگرمشان می سازی! بدان نه خود رستگاری و نه دیگران راجائی خواهی رساند. واعظ بمانند معلم است، و مستمعین بسان کودکان، و کودک (بازیگوش) جز با خشونت حاضر به پذیرش چیزی نیست، تنها معدودی از افراد ممکن است بدون آن (خشونت) و بوسیله موهبت الهی چیزی بیاموزند، بیشتر مردم ظاهراً ادعای اسلام دارند، و مانند کافرانی هستند که میگویند: «أَنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنُحْنَى وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ» (چیزی نیست جز زندگی این دنیا، میمیرم و زنده میشویم، و غیر از روزگار چیزی مارانمی میراند. سوره جاثیه آیه ۲۴).

اکثرشان این رامیگویند ولی با اعمال ظاهری آنرا پنهان میدارند، البته اینگونه اشخاص دارای قدر و منزلتی نیستند، و به اندازه بال پشه ای ارزش ندارند، دارای عقل و تمیز نمی باشند که بتوانند بین سود و زیان خود فرق قائل شوند. قول خدای عزوجل درباره یوسف عیله السلام چنین است: «قَالَ مَعَادَاللهُ أَنْ تَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ» - هر کس متاع ولایت و توحید نزدش یافت شد، قلبش خاص خدای خواهد شد، دیگر به خلق و اسباب خرید و فروش، و عطا و منع دیگران توجهی ندارد، بر باب حق ملازم است و در دامان او غنوده.

وای بر تو! پیراهن سلامت پاره، و لباس ایمانت نجس است، تولخت و عریانی، باطنت تیره و سنیه ات برای پذیرش اسلام تنگ است، باطنت ویران و ظاهر ت آباد است، و اوراق اعمالت سیاه، بدان که دنیائی را که بدان دلبسته ای میگذرد، و قبر و آخرت بسویت می آیند. از خواب غفلت بیدار شو، چه ممکن است مگر همین امروز یا همین ساعت فرارسد، و میان تو و آرزو هایت جدائی افکند، آنگاه است که آنچه راک بدان دلبسته بودی نخواهی دید، و آنچه راکه فراموش کرده بودی، یعنی آخرت، به تو ملحق میشود. به غیر خدا دل بند بودن، و از غیر او امید داشتن هوس و نادانی است، جز خدای عزوجل کسی قادر به ایجاد نفع و ضرر نیست، اوست که برای هر چیزی وسیله ای قرار داده است، حکم او بر اسباب جاریست. هرگاه به حکم خداوند عمل نمودی، عملت صحیح است. و در نتیجه ایمان همانطوریکه برگ از درخت می افتد، اتکایت به سبب کم می شود، و به سبب خواهی پیوست. موحد از جویبار به نهر، و از نهر به دریای پیوندد، از فرع به اصل، از فرزند به پدر و از عبد به معبود، از صنع به صانع، از عاجز به قادر، از فقر به غنا، و از ضعف به قدرت، و از اندک به بسیار میرسد.

اماکثر شما رادارای چنین ایمان محکمی نمی بینم. هر کس نیازی در دل دارد، باید نفسش را لگام سکوت زند، حسن ادب را رعایت نماید، و به درع تقوی ملبس و مجهز گردد، که اینهاست سبب حصول به مقصود، و وصول به حق، و بدان که

وصول دو نوع است، یکی وصول عام، و دیگری وصول خاص، وصول عام به هنگام مرگ روی میدهد، اما وصول خاص اتصال قلب مومن است بخدا در حال حیات و پیش از مرگ این خاص کسانی است که در مبارزه بانفس و عدم اتکا و اعتماد بخلق پیروز شده اند، و همانگونه که عوام پس از مرگ به این وصول میرسند، آنان در حال حیات این مقام را احراز می کنند. هر که را این مقام حاصل شد به مقام قرب و انس نیز میرسد، آنگاه است که واصل میگوید: «اَنْتُونِي بِاَهْلِكُمْ اَجْمَعِينَ»- (اهل و عیال خوتان را جملگی نزد من آورید). یوسف علیه السلام وقتی از بن چاه زندان نجات پیدا کرد، و برشادند آنها صبر کرده بود، تمکن یافت و به فرمانروائی رسید. به برادرانش گفت: «اَنْتُونِي بِاَهْلِكُمْ اَجْمَعِينَ»- هنگامی از حال قبض بدر آمد، و حال بسط حاصل شد، آن گنگی چاه زندان به فصاحت و گویائی بدل گردید.

(یا قوم) هر چه رامیخواهید از خالق کل بخواهید. اولیاء الله جانهای خود را در قبال قرب حق فدا کرده اند، و میدانند که آنچه داده اند در برابر آنچه گرفته اند ناچیز و بی مقدار است.

حکایت میکنند: مردی به حجره برده فروشی گذر کرد، جاریه ای را دید در نهایت زیبایی، بدو مایل شد تا جائیکه قادر نبود از جلو حجره بگذرد، و آن مرد براسبی که صد دینار ارزش داشت سوار بود، و جامه های بسیار گرانبها در برداشت و شمشیر مطلا نیز در دست سوار بود، و جامه های بسیار گرانبها در برداشت و شمشیر مطلا نیز در دست داشت و غلامی سیاه در رکابش، بالاخره به نزد برده فروش رفت و از بهای جاریه پرسید، برده فروش جواب داد: به این جاریه علاقه مندی؟ جواب داد بلی، گفت پس او را به تمام آنچه که اکنون در اختیار داری می فروشم، آن مرد از اسب فرود آمد و لباسهایش را از تن بدر آورد و به برده فروش تسلیم کرد و جاریه را گرفت، و خوشحال بود که در برابر آنچه که گرفته بهائی چندان نپرداخته است. پس بدان که عاشق صادق نیز در مقابل محبوب خود، جان و مال و هستی خود را خواهد بخشید، و مهر محبوب رامیخرد، و میدانند که مغبون هم نشده است، زیرا از وعده حق باخبر است که فرموده: «وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْاَنْفُسُ وَتَلُوْهُ الْاَعْيُنُ»- (در آنجا آنچه نفس طلب کند و دیده از آن بهره مند شود، وجود دارد. سوره زخرف آیه ۱۷). و باز می فرماید: «اَنْ اللّٰهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنْفُسَهُمْ وَاَمْوَالَهُمْ بِاَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ»- (خداوند جانها و اموال مومنین رامیخرد، تا در مقابل آنها رابهشت عطا فرماید. سوره توبه آیه ۱۱۱).

وجود و تمامی متعلقات را تسلیم کن، تا مشمول این وعده صادق قرارگیری. کسی گفت میخوام در زمره آنان قرار بگیرم که خواستار لقای حقت، زیرا دلم مرابا خیر کرده است، که دوستداران خدا را خلعت های فراوان است، بهای اینکار چیست؟ بدو گفته شد: تمام موجودیت خود را بده، از تمام شہوات و لذائذ دوری کن، علاقه به بهشت و آنچه راکه در دست از دل بران و همه راپشت سر انداز، آن گاه میتوانی به این باب داخل شوی و چیزهائی را ببینی که هیچ چشمی آنرا ندیده، و هیچ گوشی آنرا شنیده، و بر دل احدی خطور نکرده است. هر که را این مقام ثابت شد، دنیا و آخرت در نظرش یکسان میشود، در دنیا بادیده قلب عظمت خدا را مینگرد، و در قیامت بادیه ظاهر.

(یا غلام) «قَالَ اللّٰهُ تُمْ نَرَهُمْ»- (خدا را ببین و غیر خدا را بران)، بگو: «اَلَّذِيْ خَلَقَنِيْ فَهُوَ يَهْدِيْنِ»- (آنکه مرا آفریده است هدایت میکند). ای از دنیا بریده، اگر حب دنیا را از دل خارج کرده ای، و آخرت را طالبی، بگو: «الذی خلقنی فهو یهدین»- و تو ای مرید حق، ای که بخدا راغبی و از غیر او گریزان، اگر قلبت از خواست جنت بدور است و مولا را طالب، تونیز بگو: «الذی خلقنی فهو یهدین»- از دشواری راه به هدایت حق متوسل شو. ای کسیکه قصد طی این طریق را داری! به بزرگان عامل به کتاب و سنت اند، که در اعمالشان اخلاص وجود دارد.

(یا غلام) غلام دلیل و راهنمای راه باش، با او به سیر و سفر بپرداز، در راهی که او میرود، وی را متابعت کن، چه چپ چه راست، چی پیش چه پس، زیرا در هر حال ترابه سر منزل مقصود میرساند، و مطمئن باش که گمراهت نمی کند، تمام اندوه هایت را بر طرف می نماید. ابراهیم (علیه السلام) را وقتی داخل منجیق قرار دادند که در آتش افکندند، تمام اسباب و وسایل ظاهر را از دل راند و تنها به خدمتوسل شد، لذا آتش مخاطب قرار گرفت که: «يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَّسَلَامًا عَلٰی

إِبْرَاهِيمَ»-(ای آتش بر ابراهیم سر و سلامت باش). و این به برکت توحید و اخلاصی بود که ابراهیم(علیه السلام) داشت. هرگاه بنده نسبت بخداالخلاص قلب پیدانمود، در کنف حمایت ذات اقدس اقرار می گیرد. ابراهیم علیه السلام، از دوران کودکی تاسن پیری، همواره باتوکل زندگی میکرد، و نتیجه توکل را مشاهده کرد. پس هرگاه در تنگنای زندگی قرار گرفتی، و تمام درها برویت بسته شد، آنچه را که بتو میگویم بیاد آور، من نائب از جانب رسول اکرم(صلی الله علیه وسلم) هستم، لذا گفتارم را بشنو و عمل نما.

بارخدا یا، در این نیابت و این وظیفه، از تو عفو و عافیت میطلبم، مراد این کار، که انبیاء در راه تو انجام داده اند، یاری کن، از شیاطین الانس و جن، و شر تمام مخلوقات محفوظ بدار، آمین.

«ربنا آتنا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار»

ادامه دارد....